

عنوان مقاله:

بررسی ابعاد مشارکت عمومی موثر در ارزیابی اثرات محیط زیستی

محل انتشار:

چهارمین کنفرانس بین المللی و هفتمین کنفرانس ملی صیانت از منابع طبیعی و محیط زیست به همراه پنجمین همایش ملی جنگل ایران (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

افسانه عسگری پور - دانشجوی دکتری برنامه ریزی محیط زیست، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران.

سعید کریمی - استادیار گروه برنامه ریزی محیط زیست، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران.

احمدرضا یآوری - دانشیار گروه برنامه ریزی محیط زیست، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران.

خلاصه مقاله:

ارزیابی اثرات محیط زیستی به عنوان یک رویه نظارتی برای افزایش پایداری فعالیت های اقتصادی از طریق کاهش تاثیر بر مولفه های محیط زیستی شناخته می شود و مشارکت عمومی به عنوان یک الزام قانونی در فرآیند ارزیابی اثرات محیط زیستی این امکان را فراهم می کند تا اثرات منفی محیط زیستی شناسایی و به حداقل برسد، اثرات مثبت افزایش یابد و یادگیری توسط تیم برنامه ریزی و عموم مردم ارتقا پیدا کند و از فرآیندهای تصمیم گیری دموکراتیک تر حمایت شود. اخیرا با افزایش آگاهی و حساسیت نسبت به حفاظت از محیط زیست، محققان و متخصصان استدلال می کنند که یک سیستم موثر ارزیابی اثرات محیط زیستی باید شفاف باشد و شامل مشارکت عمومی موثر باشد. با این حال، ابعاد، اهداف و شیوههای متنوع مشارکت عمومی، ممکن است سطوح پذیرش آن را توسط دولت در فرآیند ارزیابی اثرات محیط زیستی متمایز کند و در نتیجه منجر به اثرات متفاوتی شود. بنابراین، در این مقاله قصد داریم مروری جامع از معنا، اهداف و ابعاد مشارکت عمومی در ارزیابی اثرات محیط زیستی ارائه کنیم. امید است این کار، نقطه شروعی برای دست اندکاران در تعریف نقش اساسی و اهمیت بالای مشارکت عمومی در عملکرد ارزیابی اثرات محیط زیستی باشد. مطالعات مورد بررسی علاوه بر ابعاد مختلف مشارکت عمومی از جمله چرایی، چگونگی و اهداف مشارکت عمومی در ارزیابی اثرات محیط زیستی آن را در یک چارچوب دویعدی تحلیلی از منظر میزان مشارکت و سطح تعارض مورد بحث قرار داده اند. نتایج بررسی ها تاکید محققین را بر این موضوع نشان می دهد که مشارکت عمومی موثر و معنادار یک جزء اساسی از فرآیند ارزیابی اثرات محیط زیستی برای ایجاد تعادل بین ذینفعان و پایداری در محیط است و مشارکت موثر عمومی وابسته به این موضوع است که: چه کسانی درگیر هستند (فراگیری)، چگونه درگیر هستند (شدت) و چه تاثیری بر فرآیندها می گذارند (اقتدار). اما در پایان فقدان حمایت قانونی و موانع نهادی مشارکت عمومی از جمله فرهنگ آمرانه، انتشار ناکارآمد اطلاعات، فرصت های نابرابر و کمبود زمان و منابع، را می توان به عنوان جدی ترین عوامل در عدم دستیابی به مشارکت عمومی موثر در ارزیابی اثرات محیط زیستی قلمداد کرد.

کلمات کلیدی:

ارزیابی اثرات محیط زیستی (EIA)، مشارکت عمومی، ابعاد مشارکت، مشارکت عمومی موثر، چهارچوب دویعدی مشارکت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1956678>

